

هنرهای سنتی آذربایجان، گوهری از باغ خیال



آذربایجان سرزمین هنر و هنرمندپروری است که در طول تاریخ هنرمندان و هنرسانان بسیاری را در دامان پربرکت خود پروریده و تقدیم ایران زمین کرده است...

آذربایجان سرزمین هنر و هنرمندپروری است که در طول تاریخ هنرمندان و هنرسانان بسیاری را در دامان پربرکت خود پروریده و تقدیم ایران زمین کرده است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز به دلیل شرایط اقلیمی و ویژگی‌های تاریخی هنرهای سنتی و صنایع دستی همواره مورد توجه و استفاده مردم آذربایجان بوده و رفته رفته به بخشی تفکیک‌ناپذیر از زندگی آنها تبدیل شده به طوری که ردپای انواع گوناگون این هنرها در بخش‌های مختلف و روزمره آنقدر دیده می‌شود که نبودش قابل باور نیست.

آوازه کاشی‌کاران و معرق‌سازان تبریز آنچنان است که تبریز را و آذربایجان را با مسجد کبود و کاشی معرق‌های بی‌نظیر و فرش‌گونه‌اش می‌شناسند و فرش و... هنر ارزشمند و کم‌نظیری که با سر انگشتان ظریف و مشتاق هزاران بافنده کوچک و بزرگ از پود عشق بر تار اصالت گره می‌خورند و سرخ لاکمی می‌شود و آبی آسمان و سرسبزی دشت‌های دامنه سهند و سیاهی چشمان بافندگان خردسالش را یادآور می‌شود.

آذربایجان خطه مردمانی است که دستهایشان بر تار و پود زندگی نقش ماندگار حک می‌کند.

استان آذربایجان شرقی یکی از کانون‌های صنایع دستی ایران محسوب می‌شود. در این استان انواع فرش، قالیچه، جاجیم، ورنی، خورجین، گلیم، شال، گلیمچه، ظروف سفالی و سرامیک، اقسام سبده‌حصیری و ترکه‌ای، پارچه‌های پشمی و ابریشمی، سوزن‌دوزی، نقره‌سازی، قلاب‌بافی، حوله و پتوبافی، فرش‌بافی، کفاشی و کفش‌دوزی و... موارد عمده صنایع دستی را تشکیل می‌دهند. صنایع دستی برجسته استان شامل قالی‌بافی، گلیم‌بافی، هنرهای چوبی (خاتم، معرق، منبت و سید و حصیر بافی)، دستباف‌های سنتی (پشمی، ابریشمی، جاجیم‌بافی)، چاپ‌های سنتی (قلم‌کاری و باتیک)، شیشه‌گری، سفالگری، فلزکاری (قلم‌زنی، حکاکی و میلیه‌دوزی)، رو دوزی‌ها (سوزن‌دوزی، پته‌دوزی، شکمه‌دوزی و گلابتون‌دوزی)، نمدمالی، کتاب‌آرایی (میناتور، تذهیب و تشعیر) است. در اینجا به معرفی تعدادی از انواع هنرهای دستی رایج در آذربایجان شرقی می‌پردازیم.

* قالی‌بافی

به استناد منابع بسیار در قرن سوم هجری آذربایجان از بزرگ‌ترین مراکز بافت‌قالی و زیلو بود. در دوره سلجوقیان و ایلخانان هنر قالی‌بافی در آذربایجان رواج کامل داشت و بر مبنای مینیاتورهای نسخ خطی "خمسه نظامی" اثر "قاسم علی" و برخی آثار دیگر که بیشتر نقوش قالی و طرز بافت آن را نمایش می‌دهند، آشکار می‌شود که قالی‌بافی در دوره تیموریان و سپس در دوره صفویه سیر تکامل خود را طی کرد و نقوش جدیدی چون سجاده‌ای، گل و بوته، ترنج و لچک، حیوانات، خصوصاً نقش "گل‌شاه عباسی" متداول گردید و تنوع رنگ‌ها و استفاده از ابریشم، ظرافت و زیبایی و کیفیت قالی‌ها را تا حد قالی‌پرده نما، بالا برد. نمونه‌های چنین فرش‌هایی در حال حاضر در بسیاری از موزه‌های دنیا در معرض نمایش قرار دارد.

تبریز از مراکز عمده قالی‌بافی ایران است و از زمان جانشینان هلاکو خان مغول و پس از آن مرکز داد و ستد قالی بوده است. در دوره صفوی نیز قالی‌های بسیار نفیس در آذربایجان بافته می‌شد. از این رو به جرأت می‌توان گفت که حفظ و احیای هنر قالی‌بافی در ایران مرهون هنرمندان قالی‌باف و بازرگانان آذربایجان است. امروز هم آذربایجان یکی از مراکز مهم تولید انواع قالی در ایران است و بافتن انواع قالی در بیشتر شهرها و روستاهای آذربایجان رواج کامل دارد.

قالی‌بافی از صنایع دستی مهم استان محسوب می‌شود. تولیدات این هنر از نظر صادرات اهمیت بسیار دارد و یکی از اقلام صادراتی عمده ایران را تشکیل می‌دهد. این امر موجب اشتغال نیروی عظیم انسانی نیز شده است. صنعت قالی‌بافی در سراسر استان به صورت کارگاهی در مناطق شهری و تک‌بافی تقریباً در اغلب روستاهای آذربایجان رواج دارد و هر ساله تعداد قابل توجهی از انواع قالی و قالیچه در طرح‌ها و نقش‌های متنوع و بافت‌های گوناگون به بازارهای داخلی و خارجی عرضه می‌شود.

* گلیم بافی

بافت گلیم در آذربایجان شرقی همانند دیگر نقاط ایران به صدها سال پیش برمی‌گردد که در گذشته بیشتر در روستاهای اطراف به طریقه سنتی انجام می‌گرفته به طوری که پشم را با دست به نخ تبدیل و بعد با گیاهان رنگ‌آمیزی و به گلیم تبدیل می‌کردند. البته این طریقه رنگ کردن و رسیدن به نخ به دلیل سختی کار و کم‌یابی بعضی رنگدانه‌ها و یا جذب نشدن افراد جوان و دست‌رسی آسان و ارزان به رنگ‌های شیمیایی و نخ‌هایی که در بازار به صورت رنگ شده با مواد شیمیایی وجود دارد جای خود را به این نوع نخ داده است.

همچنین در گذشته بافت گلیم بیشتر مصرف خانگی داشته و به ندرت برای فروش تولید می‌شد و ابعاد آن نیز بسته به دلخواه بافنده صورت می‌گرفته ولی ابعاد گلیم‌های این استان از نظر بافت و نقوش متنوع بوده و هر منطقه بافت و نقوش مخصوص به خود را دارا بوده است. در حال حاضر بافت گلیم در شهرستان‌های میانه، هشتروند، و بخش خراجوی مراغه جریان دارد.

پارچه‌بافی

بافتن پارچه با دست، خصوصاً پارچه‌های ابریشمی و زری از قدیم در ایران و همچنین آذربایجان شرقی معمول و متداول بوده است. چنانکه در دوره صفویه که به عصر طلایی و درخشان بافندگی شهرت دارد، پارچه‌هایی از حریر ساده، ابریشم زربفت و مخمل ابریشمی‌بافته شده، که نمونه‌هایی از آنها در موزه آستان قدس رضوی و موزه هنرهای تزئینی اصفهان موجود است.

نقره‌سازی

صنعت نقره‌سازی از دیرباز در تبریز رواج داشته است. تا 20 سال پیش حدود 25 کارگاه نقره‌سازی با یکصد نفر هنرمند نقره‌کار در تبریز فعالیت داشتند. اما امروزه این هنر بی‌نظیر دستی در حال نابودی است و صاحبان این هنر به مشاغل دیگری روی آورده‌اند.

نگارگری

نگارگری، نقاشی سنتی با پیشینه‌ای کهن است که حالت روایی دارد و از دیدگاه عرفانی و فلسفی و بیان وقایع تاریخی بهره می‌برد. ترسیم جزئیات و حقیقت نهایی از ویژگی‌های هنر نگارگری است. شیوه اجرا:

هنرمند ابتدا موضوع مورد نظر را روی بوم طراحی می‌کند. سپس آن را با رنگ روحی قلم‌گیری می‌کند و بعد با تکنیک رنگ‌گذاری به شیوه تخت یا غیر تخت طرح مورد نظر را رنگ‌آمیزی می‌کند. سپس به ساخت و ساز (پرداز و قلمگیری) می‌پردازد. در رنگ‌گذاری معمولاً از رنگ‌های جسمی‌نظیر گواش، اکریلیک و در ساخت و ساز از آبرنگ استفاده می‌شود. بوم، بوم کاغذی و قلموها در شماره‌های مختلف گرد و نرم است. از فلزات طلا و نقره نیز استفاده می‌شود.

سفالگری و سرامیک‌سازی

محصولات سرامیک استان در چند کارگاه از جمله شهر "زنوز" و "تبریز" تولید می‌شود. استادکاران سرامیک "زنوز" از نوع خاک مرغوب (کائولین یا خاک چینی) استفاده می‌کنند. علاوه بر کارگاه‌های سرامیک‌سازی "زنوز" در شبستر هم صنعت سفالگری دارای سابقه‌ای بس طولانی است و تولیدات سفال آن در سراسر آذربایجان توزیع می‌شود. اخیراً کارگاه آموزش سفالگری در مرکز هنرهای سنتی میراث فرهنگی آذربایجان شرقی به آموزش علمی و هنری این صنعت پرداخته و هنرجویان بسیاری را آموزش داده است.

سوزن‌دوزی

سوزن‌دوزی در بخش ممقان حوالی 50 کیلومتری غرب تبریز از دیرباز رواج داشته است. در سال‌های اخیر با توجه به درآمد اندکی که از این صنعت عاید هنرمند سوزن‌دوز می‌شد، به تدریج علاقه به این هنر کاهش یافت، ولی با تلاش سازمان صنایع دستی، صنعت سوزن‌دوزی دوباره رونق یافته است و به جای ماده اولیه سوزن‌دوزی که در گذشته ابریشم طبیعی بود، امروزه از ابریشم مصنوعی استفاده می‌شود.

سب‌بافی

در شهر تبریز بافت سب‌بافی برای حمل نان و میوه رواج دارد. برای بافتن سب‌بافی از ترکه‌های درخت قره آغاج، سنجد، به، آلبالو و بید استفاده می‌شود. در شهر مراغه و روستاهای اطراف آن نیز سب‌بافی بسیار ظریفی از چوب موسون می‌بافند. در مرند و روستاهای بناب و بهرام و کشکسرای از ساقه گندم برای ساخت سب‌بافی استفاده می‌شود.

تراش سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی

دانش و هنر تراش سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی در گذشته فقط در انحصار چند کشور بوده اما خوشبختانه در سالیان اخیر هنرمندان ایرانی به خوبی گام در عرصه این هنر نهاده و آثار زیبا و ارزشمندی را خلق کرده‌اند. رونق و ارتقای این هنر در کشورمان در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نیز تاثیرگذاری شگرفی داشت. اما فرآیند تولید این هنر صنعت به این ترتیب است که ابتدا، راف (مواد خام) انتخاب و نوعی طرح بر روی آن توسط یک شخص کاملاً آشنا به فن تراش و با کمک رایانه دارای پردازشگر سه بعدی، بعد از عکسبرداری از راف مورد نظر، بهترین نوع و مدل و طرح تراش با کم‌ترین ریزش انتخاب می‌شود، سپس راف بر روی داپ که به میله فلزی یا چوبی یا پلاستیکی غیرقابل انعطاف با قطر و اندازه‌های مختلف است توسط موم مخصوص که 90 درصد آن گیاهی است و یا چسب مخصوص متصل می‌شود. سپس طرح مورد نظر بر روی آن راف اجرا می‌شود. تراش بر روی یک راف شامل سه قسمت است: پاولیون " pavilion"، کمره " cirdle"، تاج " crown" که هر قسمت در هنگام اجرا به دو قسمت تراش و پلیش نیز تقسیم می‌شود.

چاپ کلاقه‌ای (باتیک)

چاپ باتیک یا کلاقه‌ای از جمله هنرهای بومی استان آذربایجان شرقی است که در شهر اسکو و تبریز جریان دارد. این چاپ با استفاده از رنگ‌های گیاهی، بازیک، کرومی، اسیدی، خمی و راکتیو روی پارچه‌های ابریشم طبیعی، مصنوعی و نخی انجام می‌شود. انواع روسری، رومیزی، شال، شال گردن و پارچه ابریشمی از جمله تولیدات هنرمندان باتیک کار است. در حال حاضر تولیدات باتیک به

کشورهای آلمان، آمریکا، آذربایجان، ترکیه و ترکمنستان صادر می‌شود.

*سوزن دوزی ممان

شهرستان ممان در 42 کیلومتری جنوب غربی تبریز واقع شده و هنر سوزن‌دوزی به صورت بومی‌سالیان متمادي است که در آن جریان دارد و عمدتاً توسط زنان و دختران منطقه انجام می‌گیرد. عرق چین، رومیزی، زیرلیوانی، کوسن، جلیقه از جمله تولیدات سوزن‌دوزی این منطقه است.

ویژگی خاص این نوع سوزن‌دوزی استفاده از طرح‌های بسیار متنوع سنتی و هندسی و همچنین بکارگیری رنگ‌های شاد و درخشان همچون زرد، سبز، آبی فیروزه‌ای، نارنجی، بنفش، صورتی و... است که به واسطه جنس براق نخ‌ها (ابریشم مصنوعی)، درخشش دوچندانی به سوزن‌دوزی می‌بخشد.

*گره چینی چوب

گره چینی چوب از جمله هنرهای زیبا و قدیمی‌کشورمان است که اجرای آن نیازمند وقت و مهارت زیادی است. نوعی از گره چینی، گره چینی شیشه‌دار است که کاربرد عمده آن در اروسی و درب و پنجره خانه‌های قدیمی‌است و چوب و شیشه‌های مخصوص رنگی اصلی‌ترین اجرا تشکیل دهنده این نوع گره چینی است.

شیوه کار:

بعد از انتخاب یک طرح کلی که عمدتاً طرحی هندسی است، اجزا و طرح تفکیک شده و شابلون‌های قطعات آماده شده و برش داده می‌شوند سپس چوب‌های برش خورده روی کار به تدریج و به نوبت و طبق نظم خاصی سوار شده و شیشه‌های مربوطه نیز برش داده شده و کل کار مونتاژ می‌شود.

*منبت چوب

از آنجا که عموماً بخش تزئینی منبت به صورت پیرایشی و غیرالحاقی است، بنابراین دارای دوام زیادی نیز هست و در صورتی که بر اثر عوامل آسیب زای خارجی صدمه نبیند به اندازه عمر چوبی که منبت بر روی آن اجرا شده دوام دارد.

آثار چوبی منبت کاری شده از دیرباز در متن زندگی مردم حضور داشته و امروز نیز به خوبی توانسته است جایگاه خود را حفظ. در میان این آثار، برخی آثار منحصر به فرد و دارای ارزش‌های والای هنری و فنی هستند که آنها را به آثار موزه‌ای تبدیل کرده است ولی تولیدات انبوه این رشته نیز به دلیل اهمیت اقتصادی قابل توجه است.

مهم‌ترین عنصر در منبت، چوب است که بر اساس شیوه کار، نوع چوب نیز مشخص می‌شود اما مهم‌ترین چوب‌های رایج در منبت کاری عبارتند از: آبنوس، شمشاد، نارنج، گلابی، عناب، فوفل، گردو، زالزالک، زبان گنجشک، راش، افرا، توسکا، و...

موسیقی

در آذربایجان، موسیقی جزئی از فرهنگ زنده مردم حساب می‌شود. در این میان موسیقی مردمی‌شناخته شده "عاشیق لر" (عاشق‌ها) که با سرشت بومی‌مردم آذربایجان آمیخته است، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پیشینه این موسیقی کم و بیش روشن است و امروزه نیز در برگزاری مراسم و آیین‌های سنتی نقشی فراموش نشدنی دارد.

در گذشته، تا زمانی که به دوره اشکانیان بازمی‌گردد، گروه‌هایی بودند که تاریخ فراز و نشیب‌های اجتماعی را در قالب سروده‌ها و داستان‌ها در بزم‌ها و گردهمایی‌ها برای مردم بازمی‌خواندند، این افراد "گوسان لار" (خنیگران) نامیده می‌شدند.

عاشق‌های با تجربه و توانای آذربایجان نیز چنین می‌کنند. آنان به هنگام خواندن ترانه‌های بومی‌با چیره دستی به نواختن ساز می‌پردازند و شورانگیزترین گونه‌های "هاوا" را برگزار می‌کنند و به بیان منظوم حماسه‌های پر شور و داستان‌های بومی‌می‌پردازند.

عاشق‌ها هنرمندانی هستند که از میان مردم برخوردارند و با هنر اصیل و نوای دلنشین ساز خود همراه با ترانه‌های دلپذیر و مناسب با شرایط مراسم، در مجالس عروسی و قهوه‌خانه‌ها به ترنم در می‌آیند.

عاشق‌های معاصر آذربایجان، مالک گنجینه عظیم هنر و ادبیات تاریخی نیاکان خویشند. آنها سروده‌های استادانه و زیبایی خود را با احساسی ناب، انسانی و حفظ امانت هنر عاشقی در میان مردم رواج می‌دهند.

در آذربایجان کمتر دهکده‌ای را می‌توان یافت که جشن‌ها و عروسی‌هایشان بدون عاشق برگزار شود. حتی در مناطقی که عاشق نیست، فرسنگ‌ها راه پیموده می‌شود تا عاشقی به جشن دعوت شود و مجلس را با سخنان حکمت آموز، ترانه‌ها و منظومه‌های دلنشین خود گرمی و شور بخشد.

عاشق "ساز" می‌نوازد. ساز آلتی است شبیه تار؛ مرکب از نه سیم که بر سینه می‌نهند و می‌نوازند. نام قدیمی‌ساز "قوپوز" چیزی شبیه کمانچه‌های کنونی بود. اغلب یک یا دو بالابانچی (نوازنده بالابان) و قوال‌الچی (دایره‌زن) عاشق را همراهی می‌کنند. گاهی نیز چند دسته عاشق با هم ظاهر می‌شوند و هنرنمایی می‌کنند.

عاشق هنرمند است و باید در چندین هنر مهارت و استادی داشته باشد. او هم شاعر است، هم آهنگساز، هم خواننده، هم نوازنده، هم هنرپیشه و هم داستان گو. به عبارت دیگر عاشق در تمامی این عرصه‌ها خلاق است و هنرمندی است که این همه را با انگشتان ماهر و صدای دل‌نوازش، اجرا می‌کند.

در روزگاران گذشته، به این هنرمندان علاوه بر اوزان و عاشیق، وارساق و یا نشاق هم می‌گفتند و به هنرمندترین و شایسته‌ترین آنها "

دده " اطلاق مي‌شد. از اين ميان مي‌توان به دده ياد ياد(قرن ده هجري قمری)، توراب دده(قرن دوازده هجري قمری)، دده قاسم(قرن سيزده هجري قمری)، و کرم دده و مشهورتر از همه دده قورقود اسطوره‌اي اشاره کرد. اين‌ها همه آذربايجان است و آذربايجان فقط اين نيست آنچه ذکر آن رفت قطره‌اي بود از درياي هنر مردمان سخت‌کوش ديار کوه و رود و دشت که با عشق به فرهنگ و هنر اصيل زندگي را براي خود و ديگران زيباتر و لطيف‌تر و رنگين‌تر مي‌کنند.